

## بررسی نقش شاگردان آیت‌الله‌العظمی عبدالکریم حائری در تحولات سده اخیر ایران\*

ذکرالله محمدی\*\*

### چکیده

آیت‌الله حائری با تأسیس و بازسازی حوزه علمیه قم، توانست کار فرهنگی عمیقی را برای تقویت دین مبین اسلام و مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام انجام دهد؛ آن بزرگوار به مدت ۱۵ سال، در دوره پرتهاپ رضاخان قلدر و دیکتاتور، این حوزه نوپا و مقدس را با تحمل مصائب و مشکلات طاقت‌فرسا، به‌خوبی و به‌نحو شایسته اداره کرد. آن‌جناب، با صبر، بردباری، کفایت و درایت، کار عمیق علمی و فرهنگی خویش را انجام داد و شاگردانی مجتهد و زبردست، تربیت نمود که توانستند در تحولات سیاسی - اجتماعی کشور بزرگ و پهناور ایران، نقش ممتازی را ایفا نمایند؛ از جمله آنان، آیات عظام: سیدصدرالدین صدر، سیدمحمدتقی خوانساری، سیدمحمد حجت، سیدمحمدرضا گلپایگانی، شیخ محمدعلی اراکی و به‌ویژه امام خمینی رحمته‌الله بودند؛ امامی که توانست رهبری انقلاب شکوهمند اسلامی را تا پیروزی نهائی، عهده‌دار شود. در جریان انقلاب، حوزه عظیم و توانمند قم، یکی از عوامل اصلی پیروزی محسوب می‌شود؛ به‌دلیل اینکه رهبری این انقلاب؛ یعنی خمینی کبیر، از شاگردان و پرورش یافتگان حوزه‌ای بود که به همت و پشتکار شیخ عبدالکریم حائری یزدی تأسیس شد.

**واژگان کلیدی:** شیخ عبدالکریم حائری، امام خمینی رحمته‌الله، گلپایگانی، اراکی، تحولات.

---

\*. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) تألیف شده است.  
\*\*. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم.

علمای شیعه، به‌خصوص از آغاز غیبت کبری تاکنون، نقش شایان توجهی در بسط و گسترش و تعمیق مذهب تشیع، ایفا نموده‌اند؛ آنان همواره مورد توجه شیعیان بوده و از نفوذ و قدرت خود، نهایت استفاده را برای خدمت به اسلام و مسلمانان کرده‌اند. با روی کار آمدن صفویان که برای اولین بار در سراسر ایران، مذهب اثنی‌عشری، به‌عنوان مذهب رسمی اعلان گردید، به‌طور طبیعی، میدان فعالیت برای فعالیت علمای شیعه آماده‌تر شد.

در تاریخ معاصر نیز تأثیر روحانیت و موضع‌گیری‌های آن‌ها در مسائل مختلف سیاسی - اجتماعی بسیار حائز اهمیت و قابل توجه و تأمل می‌باشد.

از جمله علمای بزرگ و تأثیرگذار در قرن ۱۴ شمسی، حضرت آیت‌الله حائری بود که توانست با احیا و بازسازی حوزه علمی قم و تربیت شاگردانی مجتهد، نقش اساسی در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، ایفا نماید؛ اینک برآنیم، به بررسی اجمالی شرح حال و عملکرد برخی از شاگردان زبردست آن آبرمرد تاریخ معاصر بپردازیم.

### شاگردان بزرگ آیت‌الله حائری

آیت‌الله حائری شاگردان بزرگ و مبرزی تربیت کرد و به جهان تشیع تحویل داد که، در میان آنان بیش از یک‌صد شخصیت مسلم از نظر اجتهاد وجود داشت. از جمله آن‌ها می‌توان به فقهایی همچون آیات عظام: سیدمحمدتقی خوانساری، حجت، صدر و امام خمینی اشاره کرد (شکوری، ۱۳۶۸، شماره ۱۷، ص ۱۵۴)؛ همچنین آیات عظام: اراکی، گلپایگانی، مرعشی نجفی، از شاگردان برجسته حاج شیخ بوده‌اند (عباسی‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۸۹-۸۴)؛ حضرات آیات عظام: خوانساری، صدر و حجت، پس از وفات آیت‌الله مؤسس، در یک دوره بحرانی، مسئولیت اداره حوزه علمی قم را به‌عهده گرفتند. در این ایام حوزه علمی جوان و نوپای اسلامی در برابر تضعیف‌های فکری و عملی از طرف مخالفان، سخت به تقویت روحی و فکری نیازمند بود و طلاب سرپرست از دست داده، شدیداً به سرپرستی و قیمومیت روحی و معنوی بزرگان دلسوز خویش نیاز داشتند (عقیقی بخشایشی، ۱۳۵۹، ص ۵۸).



این سه بزرگوار تا زمان آمدن آیت‌الله بروجردی به قم، حوزهٔ علمیه را اداره کردند (همان، ص ۶۶)؛ نقش فقهای ثلاثه از این لحاظ اهمیت دارد که پرچم آیت‌الله حائری را برافراشته نگه داشتند و به دست آیت‌الله بروجردی دادند؛ یعنی بعد از وفات حاج شیخ، در آن دوران بحرانی و طاقت‌فرسا، مسئولیت ادارهٔ حوزهٔ علمیه را به عهده گرفتند و از نابودی و اضمحلال آن جلوگیری کردند و به طلاب و روحانیون، روحیه و امید دادند تا این که آیت‌الله بروجردی به قم آمد و این سه بزرگوار، مسئولیت ادارهٔ حوزهٔ علم را به ایشان محول کردند. در واقع فقهای سه گانه، حلقهٔ واسطه‌ای بین آیت‌الله حائری و آیت‌الله بروجردی بودند.

آیات عظام: اراکی، گلپایگانی و مرعشی نجفی نیز از هم‌شاگردان و دوستان امام خمینی بودند و آن جناب را خوب می‌شناختند؛ این بزرگواران در نهضت اسلامی، همواره یار و یاور امام بودند؛ این همکاری و تشریک مساعی، تأثیر بسزایی در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشت.

اینک، به شرح حال اجمالی آیات عظام: گلپایگانی، اراکی و امام خمینی و نقش این سه بزرگوار در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران می‌پردازیم:

### الف) حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدمحمد رضا گلپایگانی

سید محمد رضا گلپایگانی، فرزند حجة الاسلام و المسلمین آقا سیدمحمدباقر گلپایگانی، در ۸ ذی‌القعده سال ۱۳۱۶ق در قریهٔ «گوگد» از توابع گلپایگان متولد شدند.

ایشان در ۹ سالگی پدر خود را از دست داد و تحت تکفل و سرپرستی مادرش بانو سیده هاجر قرار گرفت و به تحصیل علوم متداوله، به خصوص علوم دینی پرداخت. پس از طی تحصیلات مقدماتی و تکمیل مقداری از سطوح، پیش علمای بزرگ آن دیار، در اوایل ۱۳۳۶ق به حوزهٔ علمیهٔ اراک وارد شد. بعد از تکمیل سطوح در ۱۳۳۷ق در درس‌های فقه و اصول آیت‌الله حائری شرکت کرد. در سال ۱۳۴۰ق با دعوت آیت‌الله حائری، به قم مهاجرت کرد. پس از استقرار در قم، ضمن شرکت در دروس فقه و اصول حاج شیخ، به تدریس سطوح مشغول شد. ایشان تا سال ۱۳۵۵ق که آیت‌الله حائری رحلت نمودند، یکی از یاران و شاگردان و اصحاب پایدار جلسهٔ درس و بحث معظم‌له بودند (همو، ۱۳۷۶، ص ۶۱۳-۶۱۴).

آیت‌الله گلپایگانی، بعد از ارتحال آیت‌الله حائری، تدریس خارج فقه و اصول را آغاز نمود و حوزهٔ درسی او یکی از حوزه‌های مهم، محسوب می‌شد (ریحان یزدی، ۱۳۷۲، ص ۸۸).

برخی از اساتید وی عبارتند از: ۱. حجة الاسلام و المسلمین حاج سیدمحمدباقر گلپایگانی، پدر بزرگوارشان که دروس ادبی را پیش ایشان تلمذ کردند. ۲. حجة الاسلام و المسلمین آقای سیدمحمدحسن خوانساری که دروس سطح را در خوانسار از محضر ایشان فراگرفتند. ۳. آیت الله حائری شاخص‌ترین و مؤثرترین استاد ایشان بودند که مدت طولانی در اراک و قم از محضر ایشان کسب فیض کردند. ۴. آیت الله محمدتقی گوگدی که بخشی از درس‌های ادبی و فقهی را پیش ایشان آموختند. ۵. آیت الله نائینی که هنگام مهاجرت وی به ایران، به صورت موقت به دستور استادش آیت الله حائری در درس ایشان حاضر می‌شدند. ۶. آیت الله حاج آقا ضیاء عراقی که قسمتی از درس‌های فقه را در محضر ایشان تلمذ کردند. ۷. آیت الله حاج سیدابوالحسن اصفهانی که قسمتی از خارج فقه را در نجف نزد ایشان فراگرفتند (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۶، ص ۶۱۴-۶۱۵).

### تألیف

آیت الله گلپایگانی، علاوه بر تربیت صدها عالم و مجتهد بزرگ، دارای تألیفات و تصنیفات می‌باشند که برخی از آن آثار عبارتند از: حاشیه بر «عروة الوثقی»؛ حاشیه بر «وسيلة النجاة»؛ رسالة صلاة الجمعة؛ رساله در محرمات بالنسب؛ مسائل حج؛ افاضة العوائد (تعلیقات بر دررالاصول آیت الله حائری)؛ رساله در عدم تحریف قرآن؛ کتاب الطهارة؛ کتاب الحج؛ کتاب الحدود (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۴۶-۹۴۷).

### ایجاد مؤسسات عام المنفعة

ایشان، علاوه بر تدریس، تألیف، پاسخ به استفتائات گوناگون و ... با روشن‌بینی و آینده‌نگری به احداث ابنیه عام‌المنفعة پرداخته‌اند که برخی از آن‌ها عبارتند از: دارالقرآن کریم؛ بیمارستان؛ کتابخانه؛ مسجد؛ بعثه حج؛ مدارس علمیه؛ مجمع جهانی اسلامی لندن؛ مرکز معجم المسائل الفقهية (انصاری قمی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۲-۱۱۰).

### مبارزات سیاسی

اولین مرحله مبارزه دستة جمعی مراجع عالیقدر اسلام با رژیم پهلوی در جریان لایحه «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» بروز و ظهور پیدا کرد که در سال ۱۳۴۱ش اتفاق افتاد. از این پس بود که آیت الله گلپایگانی همگام با دیگر مراجع و امام وارد صحنه مبارزه با رژیم

ستم‌شاهی شدند (همان، ص ۶۳).

آیت‌الله گلپایگانی بعد از شروع نهضت اسلامی مردم ایران در ۱۳۴۱ ش، باکمال صلابت و رشادت، در مقابل دستگاه جبار حکومت پهلوی ایستادگی کرد. این مرجع شجاع جهان تشیع همواره در گفتارها و نوشتارهای خویش به تخطئه حکومت پهلوی پرداخته و به دفاع از کیان اسلام و مسلمین مشغول بود (همان، ص ۶۶).

اگر اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها و تلگراف‌های آیت‌الله گلپایگانی را - از آغاز نهضت اسلامی تا پیروزی آن و پس از آن تا آخرین لحظه‌های حیاتش - در مجموعه‌ای گردآوری کنیم، کتابی قطور خواهد بود (همان، ص ۶۳).

برخی از اقدامات آیت‌الله گلپایگانی در مقابل رژیم طاغوت عبارتند از: ۱. امتناع از ملاقات با شاه، نخست وزیران و فرستادگان دربار؛ ۲. تحریم برنامه اوقاف، و اعلامیه علیه معاملات و همکاری با این سازمان؛ ۳. قطع شهریه کسانی که با اوقاف همکاری می‌کردند و تحریم امامت جماعت و گوش دادن به سخنرانی آنها؛ ۴. حرام شمردن خرید و فروش، مصرف و توزیع گوشت‌های وارداتی از خارج و عدم قبول وجوهات فروشنده‌گان آنها؛ ۵. اعتراض شدید و پیام کوبنده علیه تغییر تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی؛ ۶. مخالفت صریح با حزب رستاخیز و تحریم شرکت مسلمان‌ها در آن؛ ۷. مخالفت قاطع با طرح امتحان دولت از طلبه‌ها و انکار صلاحیت آن‌ها برای این کار که موجب عقب‌نشینی دولت وقت و مصون ماندن حوزه از این طرح گردید؛ ۸. اعتراض شدید، علیه گسترش بی‌بندوباری، فساد، فحشا، رواج منکرات، و ارسال نامه به حکومت پهلوی و دادن تذکر نسبت به عواقب وخیم آن؛ ۹. اعتراض و مخالفت بسیار شدید علیه سینمای فاسد و منشأ فساد در قم و تعطیل کردن درس و نماز جماعت خود به مدت یک هفته؛ ۱۰. مخالفت و اعتراض علیه تاج‌گذاری محمدرضا شاه پهلوی و انتخاب ولیعهد؛ ۱۱. صدور پیام در جهت تجلیل از مقام شهید سعیدی و اعلام ختم برای ایشان در مسجد امام؛ ۱۲. تجلیل از مقام حاج آقا مصطفی خمینی و تشکیل دو مجلس ترحیم در مسجد اعظم و شکستن سد رعب و ممنوعیت برپایی مجالس بزرگداشت و مطرح شدن نام امام خمینی در آن مراسم؛ ۱۳. پیگیری حال تبعیدشدگان و سرکشی به خانواده آنها؛ ۱۴. حمایت از مقام و موقعیت امام خمینی، به‌خصوص در مقابل اهانت روزنامه اطلاعات



به آن بزرگوار و تأکید بر مقاومت روحانیت و پیگیری اعتراض‌ها و راهپیمایی‌ها و صدور اعلامیه‌های روشن‌گرانه و کوبنده، در لحظات حساس و دلجویی و تأیید علمای مبارز شهرستان‌ها.

همه این اقدامات موجب شد که مزدوران طاغوت برای لطمه زدن به شخصیت ایشان، از هیچ عملی فروگذار نکنند و روز سوم فروردین ۱۳۴۲ و ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۷، در مدرسه فیضیه به آن جناب حمله نمودند و قصد ضرب و جرح آن مرجع عالیقدر را داشتند که لطف حضرت حق و پایداری و جان‌فشانی‌های اطرافیان موجب حفظ جان ایشان گردید (جمعی از پژوهشگران حوزه علمی قم، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۴۸).

### تقویت نظام جمهوری اسلامی

آیت‌الله گلپایگانی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی از هر گونه حمایت، جهت‌دهی و راهنمایی دریغ نکردند و در این راستا اقداماتی را به شرح ذیل انجام دادند: ۱. همواره در جهت تأیید مواضع امام خمینی و حفظ و تقویت موقعیت ایشان گام برداشته و آن عزیز را به‌عنوان رهبر نظام اسلامی تثبیت می‌کردند و مکرراً مردم را به پیروی از دستورات ایشان فرامی‌خواندند و تمام اقدامات ایشان را تصویب می‌نمودند؛ ۲. با پیروزی انقلاب، موضوعات بحث خویش را تغییر داده و مباحث بیع را نیمه تمام گذاشته و به بحث پیرامون قضا، حدود و شهادت پرداختند؛ ۳. اشخاص صالح و شایسته را به شرکت در پست‌های کشور از قبیل: امامت جمعه، نمایندگی مجلس، قضاوت، شورای نگهبان، توصیه کرده و از آن‌ها می‌خواستند که تصدی این گونه امور را بر عهده گیرند؛ ۴. شرکت در انتخابات گوناگون؛ ۵. فراخواندن مردم به عدم تخطی از مقررات نظام؛ ۶. کمک همه جانبه به رزمندگان اسلام (انصاری قمی، ۱۳۷۳، ص ۸۵-۸۷).

### ارتحال آیت‌الله گلپایگانی

سرانجام این عالم خدوم و بزرگوار اسلام، پس از عمری تلاش و کوشش در جهت اعتلای اسلام، در عصر پنج‌شنبه، ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۱۴ (۱۸ آذرماه ۱۳۷۲)، در بیمارستان قلب تهران به دیار باقی شتافت و جهان تشیع را غرق در ماتم و عزا ساخت. پیکر پاک این فقیه بزرگوار، پس از انتقال به قم و برپایی مراسم باشکوه تشییع و اقامه نماز در مسجد بالاسر

(حرم حضرت معصومه علیها السلام) در کنار مرقد استادش آیت‌الله حائری به خاک سپرده شد (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۶، ص ۶۴۶-۶۴۷).

آری، این شاگرد و دست‌پرورده آیت‌الله حائری، پس از عمری تعلیم و تعلم و تزکیه و تألیف و مبارزات سیاسی و ایستادگی در مقابل بدعت‌ها و کژی‌ها، از دنیا رفت، اما راه مبارزه و جهاد و به‌خصوص جهاد و اجتهاد فرهنگی را به شیعیان آموخت و نشان داد که چگونه باید با طاغوت‌های زمانه مبارزه کرد. ایشان که در حدود ۲۰ سال در کلاس درس آیت‌الله حائری، مشتاقانه شرکت کرده بود، علاوه بر آموختن فقه و اصول، صبر و بردباری و متانت را نیز از حاج شیخ فراگرفته بود. او که بیش از همه از آیت‌الله حائری متأثر بود، از استادش به‌خوبی آموخته بود که چگونه باید در مقابل ستمگران زمان موضع گرفت و چطور باید از مذهب تشیع دفاع کرد. او پایداری و مقاومت را از حاج شیخ آموخته بود که نباید در مقابل حکومت پهلوی سستی به خرج داد و سنگر حوزه را ترک کرد. او نیز مثل حاج شیخ در مقابل امتحان گرفتن حکومت پهلوی از طلاب مقاومت می‌کرد.

آیت‌الله گلپایگانی در بین مراجع، پس از امام، بیشترین نقش را در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشت و بزرگترین یاور امام خمینی بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز یکی از حامیان قوی و محکم نظام و انقلاب بود و حمایت‌های ایشان تأثیر به‌سزایی در پیشرفت امور داشت.

### ب) حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی

آن عزیز خدا و خلق، در سال ۱۲۷۳ ش (۲۴ جمادی الثانی ۱۳۱۲)، در شهر اراک دیده به جهان گشود (صدرائی خوئی و حافظیان، ۱۳۷۴، ص ۳۸).

بعد از یادگیری خواندن و نوشتن، در نوجوانی وارد حوزهٔ علمیهٔ اراک شد و در کلاس درس سیدجعفر شیخی، مقدمات علوم اسلامی را آموخت؛ درس‌های سطح را نزد آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری فراگرفت. همزمان با تحصیل دورهٔ سطح، در حلقه درس شیخ محمدباقر اراکی معروف به سلطان آبادی حضور یافت و شرح منظومهٔ ملاهادی سبزواری را نزد ایشان تلمذ کرد (آقا شیخ محمد و نوری نشاط، ۱۳۷۷، ص ۸)؛ همچنین، مدتی را در اراک نزد آیت‌الله سیدنورالدین اراکی به تحصیل پرداخت (جمعی از پژوهشگران حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۵۱-۹۵۲).

در سفر دوم آیت‌الله حائری به اراک، ایشان با اشتیاق فراوان به حلقه شاگردان درس ایشان پیوستند. از همان اول به خاطر نبوغ و کوشش زیادی که در درس داشتند، مورد توجه و عنایت حضرت استاد قرار گرفتند. حاج شیخ به دست خود بر سر ایشان عمامه گذاشته و یکی از بستگان خویش را به تزویج ایشان در آوردند و همین نشان از این دارد که مؤسس حوزه، علاقه و محبت بسیاری به این بزرگوار داشتند (روزنامه رسالت، شماره ۲۵۷۸، پنج‌شنبه، ده آذر ۱۳۷۳، ص ۴).

### تدریس

آیت‌الله اراکی در مدت بیش از سی سال، مباحث نکاح، مکاسب محرمه، بیع، خیرات (دو دوره)، طهارت و حج در فقه و سه دوره کامل اصول را تدریس نمودند. محل تدریس معظم‌له، مدرس زیر کتابخانه فیضیه بود؛ صبح‌ها خارج فقه و عصرها خارج اصول تدریس می‌کردند (صدرایی خوئی و حافظیان، ۱۳۷۴، ص ۴۳).

### تألیف

آن فقیه سترگ، علاوه بر تربیت صدها عالم و دانشمند بزرگ اسلامی، دارای تألیفات ارزشمندی می‌باشند که فهرست تألیفات ایشان به شرح ذیل می‌باشد: تقریرات درس آیت‌الله شیخ محمد سلطان العلماء اراکی؛ تقریرات بحث فقه و اصول آیت‌الله حائری؛ تقریر بحث فقه آیت‌الله خوانساری؛ حاشیه بر عروة الوثقی؛ شرح مفصل عروة (باب طهارت)؛ توضیح المسائل؛ مناسک حج؛ رساله استفتائات؛ مقدمه بر تفسیر القرآن و العقل آیت‌الله سیدنورالدین اراکی؛ کتاب النکاح و الطلاق؛ حاشیه بر دررالاصول آیت‌الله حائری (آقا شیخ محمد و نوری نشاط، ۱۳۷۷، ص ۹).

### اقامه نماز جمعه

آیت‌الله اراکی، قبل از انقلاب، نماز جمعه را در قم اقامه و همانند یک جلسه درس، برای نماز جمعه و خطبه‌های آن مطالعه می‌کردند. امامت ایشان بر نماز جمعه تا بعد از انقلاب که امام خمینی به قم آمدند، ادامه داشت و روزی آیت‌الله اراکی از امام خمینی خواست که ایشان اقامه جمعه کنند، ولی امام به ایشان فرمود: شما نماز جمعه را باید اقامه کنید. لذا مدتی نماز جمعه را باشکوه تمام اقامه کردند (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۵۴).



از آنجا که نماز جمعه از جایگاه مهمی برخوردار می‌باشد و در آن هم مسائل مذهبی و دینی مطرح و هم به مسائل و مشکلات سیاسی - اجتماعی پرداخته می‌شود، لذا آثار و برکات فوق‌العاده‌ای در اتحاد و یکپارچگی و روشنگری امت اسلامی برجای می‌گذارد.

### اقامه نماز جماعت

آیت‌الله اراکی سال‌های متمادی (قریب ۳۵ سال) در محراب نماز جماعت، مقتدای مؤمنان و شیفتگان حضرت حق بود. ابتدا در کنار مرقد آیت‌الله حائری (حرم حضرت معصومه علیها السلام) به اقامه نماز جماعت می‌پرداختند و پس از آن، در بقعه شاه عباسی (مسجد امام خمینی واقع در حرم حضرت معصومه علیها السلام) نماز ظهر و عصر اقامه می‌نمودند و نماز مغرب و عشاء را در فیضیه برگزار می‌فرمودند (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۶، ص ۶۶۶).

### مواضع سیاسی

آیت‌الله اراکی به علمای مجاهد عشق می‌ورزیدند و احترام زیادی برای آن‌ها قائل بودند؛ تجلیل‌شان از حضرات آیات: سید نورالدین اراکی و سید محمد تقی خوانساری بر همین اساس بود. معظم‌له بارها به اتفاق آیت‌الله خوانساری، پیشنهاد قیام و مبارزه علیه طاغوت را با آیت‌الله بروجردی در میان گذارده بودند و همچنین نسبت به فدائیان اسلام به رهبری شهید نواب صفوی، نظر مساعد داشتند؛ زیرا آیت‌الله خوانساری نیز از آن‌ها حمایت می‌کردند.

این فقیه، از ابتدای نهضت امام خمینی در ۱۳۴۱، همواره از ایشان حمایت می‌کردند؛ این پشتیبانی و حمایت تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران ادامه داشت و بعد از پیروزی نهضت نیز، همیشه از نظام اسلامی پشتیبانی و حمایت می‌کردند (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیة قم، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۵۴).

### تأیید و تقویت رهبری، بعد از ارتحال امام

در موقعیت حساس پس از رحلت امام خمینی، ایشان با هوشیاری کامل و با تمام وجود به دفاع از نظام اسلامی پرداختند و در ضمن پیامی پشتیبانی خود را از رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اعلام کردند. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۶، ص ۶۶۸-۶۶۹).

بدیهی است که پشتیبانی و حمایت شخصیتی چون آیت‌الله اراکی از رهبر انقلاب، نقش به‌سزایی در خنثی کردن توطئه‌های دشمنان دیرین اسلام و انقلاب ایفاء کرد و موجب

امیدواری دوستان انقلاب و یأس و ناامیدی دشمنان انقلاب گشت. این فقیه فرزانه و زمان‌شناس که خود را وقف اسلام کرده بود، به خوبی می‌دانست که در آن برهه از تاریخ، انقلاب احتیاج به حمایت و پشتیبانی بیشتری دارد؛ از این‌روی با احساس تکلیف، قدم پیش نهاد و رسالت تاریخی خود را به خوبی ایفاء نمود و نام خود را در تاریخ انقلاب برای همیشه جاودانه ساخت.

### مرجعیت

پس از وفات امام خمینی، کثیری از مقلدان ایشان به آیت‌الله اراکی مراجعه کردند و قبول مرجعیت توسط حضرت آیت‌الله اراکی در اواخر عمر، نشانگر این واقعیت بود که ایشان در این برهه از زمان خود را مکلف به قبول این مسؤولیت خطیر دانستند؛ از این‌روی با قبول این امر بزرگ، دین خود را نسبت به اسلام و مسلمین ادا کردند و بدون تردید پشتیبانی ایشان از نظام و رهبری به‌عنوان یک مرجع بزرگ بسیار حائز اهمیت بود.

### ارتحال

سرانجام این فقیه عالیقدر جهان تشیع، روز سه‌شنبه، نهم آذر ۱۳۷۳، در یکی از بیمارستان‌های تهران رحلت کرد و جهان تشیع را به سوگ نشاند. پیکر پاک آن عبدخدا و مطیع اهل‌بیت علیهم‌السلام، پس از تشییع بسیار با شکوه در تهران به قم منتقل گردید و در قم نیز پس از تشییع باشکوه و اقامه نماز میت توسط آیت‌الله بهجت، در مسجد بالاسر حضرت معصومه علیها‌السلام، در جوار استادش آیت‌الله حائری به خاک سپرده شد (حسینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۵۷-۳۶۱).

طرح و تجلیل از نام و یاد حضرت آیت‌الله اراکی به‌عنوان یکی از شاگردان مبرز آیت‌الله‌العظمی حائری در واقع بیان‌گر نام و یاد استادش می‌باشد؛ ایشان بیش از ۲۰ سال از محضر آیت‌الله مؤسس استفاده کرده بودند و حاج شیخ بیشترین نقش را در تربیت وی داشتند و علی‌القاعده باید از حاج شیخ بیشتر متأثر باشند که یقیناً همین گونه بود؛ اهمیت دادن به کارهای فرهنگی و جدیت در امر تدریس، تألیف، پرورش شاگرد و ایستادگی در مقابل ناملایمات زمانه، همه حاکی از این امر است که او نیز مثل استادش محکم و استوار بود و ارزش امور فرهنگی را به خوبی می‌دانست.



از طرف دیگر، آیت‌الله اراکی همیشه از علمای مجاهد، پشتیبانی و حمایت می‌کردند و حمایت او از نهضت امام نیز در همین راستا صورت گرفت؛ پشتیبانی از رهبری آیت‌الله خامنه‌ای هم بر این مبنا بود که ایشان را مجاهد فی سبیل الله می‌دانست؛ چون ایشان دوران سیاه رضاخان و پسرش محمدرضا را دیده و خود شاهد بود که رضاخان چقدر بر حوزهٔ علمیهٔ قم و روحانیت سخت می‌گیرد؛ از این‌روی قدر حکومت اسلامی را بیشتر درک می‌کرد و به اهمیت و ارزش آن واقف بود. بنابراین، خود را موظف به حمایت و پشتیبانی از امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای می‌دانست و تا آخر عمر پر برکتش در این راه قدم برداشت.

### ج) حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی

حضرت امام در اول مهر ۱۲۸۱، در شهر خمین، چشم به جهان گشود که نامش را روح‌الله گذاشتند. پدرش سیدمصطفی مردی روحانی و دانشمند بود. وی در ذیحجه ۱۳۲۰، در بین راه خمین - اراک مورد سوء قصد برخی از اشرار واقع و بر اثر اصابت چند گلوله در ۴۷ سالگی شهید شد.

مادر امام، هاجر نام داشت؛ این بانوی بزرگ، از خاندان روحانی بود؛ پدر، عموها و دایی‌های آن مرحومه هم، همگی اهل علم و مورد احترام مردم خمین بودند. هر چند چراغ عمر پدر روح‌الله خیلی زود به خاموشی گرایید، اما پس از شهادت سیدمصطفی، خواهر ایشان خانم صاحبه، به خانه شهید سیدمصطفی رفت و به اتفاق هاجر خانم، سرپرستی کودکان خردسال او را عهده‌دار شد؛ سیدروح الله از ۶ ماهگی تحت سرپرستی و تربیت مادر و عمه‌اش قرار گرفت (رجبی، ۱۳۶۹، ص ۳).

### آغاز تحصیلات

روح‌الله که دارای هوش و استعداد زیادی بود، از اوان طفولیت شروع به تحصیل کرد و در همان منزل پدری خود، نزد معلمی به‌نام میرزا محمود، به خواندن و نوشتن مشغول شد؛ سپس به مکتب خانه رفت و پیش مُلا ابوالقاسم به تحصیل پرداخت؛ همچنین نزد استاد دیگری به‌نام شیخ جعفر، مشغول آموختن شد؛ آنگاه به مدرسه‌ای جدید که تازه تأسیس

شده بود، رفت و نزد شخصی به نام آقا حمزه محلاتی به تمرین و تعلم خط مشغول گردید. خلاصه، قبل از اینکه پانزده سال را پشت سر بگذارد، تحصیلات فارسی آن زمان را تمام کرد. سپس در محضر برادرش آیت‌الله پسندیده، صرف و نحو و منطق را آغاز نمود و تا سال ۱۳۳۸ ق، به تحصیل مقدمات نزد ایشان ادامه داد؛ آنگاه قرار شد که برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه اصفهان برود، ولی نغمه دل انگیز حوزه علمیه اراک - که رونق به‌سزایی داشت و تحت مدیریت حاج شیخ عبدالکریم حائری بود - ایشان را شیفته خود کرد (روحانی (زیارتی)، ۱۳۶۰، ج اول، ص ۲۶).

در سال ۱۳۳۹ ق، وارد حوزه درسی اراک شدند و نزد شیخ محمدگلپایگانی، به آموختن منطق و نزد آقا عباس اراکی به آموختن شرح لمعه پرداختند (ستوده، ۱۳۷۳، ج اول، ص ۲۹).

#### هجرت از اراک به شهر مقدس قم

اندکی پس از هجرت آیت‌الله حائری از اراک به قم (۱۳۴۰ ق) امام خمینی نیز رهسپار حوزه علمیه قم شدند و به سرعت مراحل تحصیلات تکمیلی علوم حوزوی را نزد اساتید این حوزه مبارکه طی نمودند و می‌توان از فراگرفتن تتمه کتاب مطول (در علم معانی و بیان) نزد آقا میرزا علی ادیب تهرانی و تکمیل دروس سطح نزد آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری و بیشتر نزد آیت‌الله سیدعلی یثربی کاشانی و دروس خارج فقه و اصول پیش آیت‌الله حائری نام برد؛ هم‌زمان با فراگیری فقه و اصول، ریاضیات و هیئت و فلسفه را نزد حاج سیدابوالحسن رفیعی قزوینی و ادامه همین دروس به همراه علوم معنوی و عرفانی را نزد آقامیرزا علی‌اکبر حکمی یزدی، عروض و قوافی و فلسفه اسلامی و فلسفه غرب را نزد آقا شیخ محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی و اخلاق و عرفان را در محضر آیت‌الله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی و عالی‌ترین سطوح عرفان نظری و عملی را به مدت ۶ سال در محضر - آیت‌الله آقامیرزا محمدعلی شاه آبادی تحصیل کردند (انصاری، ۱۳۷۴، ص ۱۶-۱۸).

#### تلاش امام، برای آوردن آیت‌الله بروجردی به قم

بعد از رحلت آیت‌الله حائری در سال ۱۳۱۵ ش، آیات عظام: سیدمحمد حجت، سیدمحمدتقی خوانساری و سیدصدرالدین صدر، مسئولیت اداره حوزه علمیه قم را به‌عهده گرفتند. در این زمان امام خمینی از چهره‌های سرشناس و مدرسان به‌نام حوزه علمیه قم

بودند. فقهای ثلاثه تا سال ۱۳۲۴ش که آیت‌الله بروجردی به واسطه عارضه کسالت، از بروجرد به قصد معالجه به تهران عزیمت کرد، حوزه علمیه قم را اداره کردند (دوانی، ۱۳۷۳، ص ۱۴-۱۵)؛ در این سال، وقتی آیت‌الله بروجردی برای معالجه به بیمارستان فیروزآبادی شهر ری آمده بودند، جمعی از اساتید بزرگ حوزه که در رأس آن‌ها حاج آقا روح‌الله قرار داشت، از وی دعوت به عمل آوردند که برای اداره حوزه علمیه قم به این شهر بیایند تا حوزه دارای مسئول واحدی شود، پس از چند جلسه گفتگو، آیت‌الله بروجردی که مرجع تقلید بسیاری از شیعیان بود، با این درخواست موافقت و به قم هجرت کردند؛ بعد از مدتی، آن بزرگوار مرجع مطلق جهان تشیع گردیدند و حوزه علمیه قم رونق فوق‌العاده‌ای یافت.

حاج آقا روح‌الله با این که خودش فقه و اصول تدریس می‌نمودند و فقیه برجسته‌ای بودند، برای تقویت موقعیت و کلاس‌های آیت‌الله بروجردی، در کلاس‌های ایشان شرکت می‌کردند. آن جناب هم، برای حاج آقا روح‌الله احترام ویژه‌ای قائل بودند و در اکثر مجالس، ایشان را نزد خود جای می‌دادند (متولی، ۱۳۷۹، ص ۳۵-۳۶).

### ازدواج

ایشان در سال ۱۳۰۸ش، با خدیجه خانم، دختر حجت‌الاسلام ثقفی ازدواج کردند (ستوده، ۱۳۷۳، ج اول، ص ۳۰). ثمره این ازدواج، دو پسر و ۳ دختر بود.

### امام خمینی، بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی

در سال ۱۳۴۰ دو حادثه ناگوار در ایران اتفاق افتاد: یک) رحلت آیت‌الله بروجردی، در دهم فروردین؛ دو) وفات آیت‌الله کاشانی در اسفندماه.

به دنبال درگذشت این دو بزرگوار، رژیم پهلوی تصور کرد که دیگر مانعی بر سر راه اهداف شوم او وجود ندارد؛ از این‌روی لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که به موجب آن، شرط مسلمان بودن، سوگند به قرآن و مرد بودن انتخاب‌کنندگان و کاندیدها تغییر می‌یافت، در ۱۶ مهرماه ۱۳۴۱ش، به تصویب کابینه امیراسدالله علم رسید. آزادی انتخابات زنان، پوششی برای مخفی نگهداشتن هدف‌های دیگر بود. حذف و تغییر دو شرط اول به منظور قانونی کردن حضور عناصر بهایی در مصادر امور کشور بود (انصاری، ۱۳۷۴، ص ۳۷-۳۸).

به دنبال اعلام تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در جراید عصر تهران، امام خمینی بی‌درنگ علمای تراز اول قم را به نشست و گفتگو پیرامون این مسئله دعوت نمودند. جلسه‌ای با حضور آیات عظام گلپایگانی، شریعتمداری و امام خمینی در منزل آیت‌الله شیخ مرتضی حائری تشکیل و تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

۱. طی تلگرافی به شاه مخالفت علما را با تصویب‌نامه مذکور اعلام داشته، لغو فوری آن درخواست گردد.

۲. طی نامه و پیغام به علمای تهران و شهرستان‌ها، جریان تصویب‌نامه و خطراتی که برای اسلام و ملت ایران در بر دارد، بازگو شود و برای مقابله و مبارزه با آن، از آنان هم دعوت به عمل آید.

۳. هر هفته یکبار و در صورت لزوم بیشتر، جلسه مشاوره و تبادل نظر میان علمای قم برقرار گردد و درکوشش‌ها و فعالیت‌هایی که به‌منظور مبارزه با تصویب‌نامه انجام می‌پذیرد، با وحدت و اتفاق کامل آن‌ها همراه باشد (روحانی زیارتی، ۱۳۶۰، ج اول، ص ۱۴۹-۱۵۰).

سرانجام، پس از کشمکش‌های زیاد میان رژیم شاه و علما و در رأس آن‌ها امام، روز شنبه دهم آذر ۱۳۴۱، علم در مصاحبه‌ای لغو تصویب‌نامه را توسط هیأت دولت اعلام و آن را غیرقابل اجرا دانست (رجبی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۶).

#### انقلاب سفید شاه

در ۱۹ دی ۱۳۴۱، شاه به‌طور رسمی اعلام کرد که می‌خواهد اصول ششگانه‌ای را به فرزندوم بگذارد و بعد آن را «انقلاب سفید» نامید (همان، ص ۲۴۱)، انقلاب سفید شاه مشتمل بر شش اصل بود: الغای رژیم ارباب و رعیتی؛ ملی کردن جنگل‌ها؛ فروش سهام کارخانه‌های دولتی؛ سهم کردن کارگران در منافع تولیدی و صنعتی؛ لایحه اصلاح قانون انتخابات؛ ایجاد سپاه دانش (فردوسی پور، ۱۳۷۲، ص ۶۱).

امام خمینی، با اعلام فرزندم از طرف شاه، با علما و مقامات برجسته روحانی به گفتگو نشستند و لزوم مقابله و مبارزه فوری با آن را یادآور شدند (روحانی زیارتی، ۱۳۶۰، ج اول، ص ۲۲۲)، در این نشست تصمیم گرفته شد تا با شاه مذاکره و هدف او را جویا شوند،

پیغام‌های طرفین (شاه و علما) به‌وسیلهٔ اعزام نمایندگان برای مذاکره در چند مرحله، ردوبدل شد. محمدرضا شاه در ملاقات با آیت‌الله کمالوند تهدید کرده بود که اصلاحات به هر قیمتی ولو با خون‌ریزی و خراب کردن مسجدها انجام خواهد شد.

در نشست بعدی علمای قم، امام خمینی خواهان تحریم رسمی فراندم شاه بودند، ولی برخی از حاضرین در جلسه، مبارزه در چنین شرایطی را مقابله «مشت با درفش» دانسته و بی‌ثمر خواندند! سرانجام به‌واسطهٔ اصرار امام خمینی قرار شد، مراجع و علما مخالفت با فراندم را صریحاً اعلام و شرکت در آن را تحریم نمایند.

در این راستا خود امام بیانیه‌ای کوبنده، در دوم بهمن ۱۳۴۱ صادر نمودند و به دنبال آن بازار تهران تعطیل و مأموران شاه به تجمع مردم حمله کردند. در آستانهٔ فراندم تحمیلی ابعاد مخالفت مردم گسترش یافت و شاه برای کاهش مخالفت‌ها در چهارم بهمن عازم قم گردید (انصاری، ۱۳۷۴، ص ۴۲). امام امت از قبل با پیشنهاد استقبال مقامات روحانی از شاه به شدت مخالفت کرد و حتی خروج از منازل و مدارس را در روز ورود شاه به قم تحریم نمود. به دنبال این تحریم، نه تنها روحانیون و مردم قم، بلکه تولیت آستانهٔ حضرت معصومه علیها السلام که مهمترین منصب حکومتی تلقی می‌گردید هم، به استقبال شاه نرفت و به همین جهت از سمت خود عزل گردید (جمعی از پژوهشگران حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۲۱)، شاه در قم نطق‌زنده‌ای علیه روحانیت ایراد کرد (دوانی، ۱۳۷۷، ج سوم، ص ۲۵۵).

### ششم بهمن ۱۳۴۱ و تصویب لوایح ۶ گانه

در این روز، پای صندوق‌های رأی، جز عده‌ای از گماشتگان «ساواک» کسی دیده نمی‌شد و محل استقرار صندوق‌های رأی خلوت بود؛ خیابان‌ها از مردم تهی و از تانک و توپ و سربازان و مأموران مسلح پر بود (روحانی زیارتی، ۱۳۶۰، ج اول، ص ۲۶۹).

آری، یک فراندوم قلابی و مُضحک و بدون استقبال مردم برگزار شد؛ عدم استقبال از این فراندوم نشانگر مخالفت مردم با شاه و طرفداری آن‌ها از امام خمینی و روحانیت بود. با این وجود، وسایل ارتباط جمعی شاه، در روز هفتم بهمن اعلام کردند: اصول پیشنهادی شاهنشاه آریامهر همایونی، با استقبال گسترده و بی‌سابقه طبقات مختلف مردم مواجه شد (فردوسی پور، ۱۳۷۲، ص ۶۲).

رسانه‌های رژیم پهلوی با پخش مکرر تلگراف‌های تبریک مقامات آمریکا و دولت‌های اروپایی، کوشش می‌کردند تا رسوایی عدم مشارکت مردم در فراندوم را مخفی نگاه دارند. امام خمینی نیز با سخنانی‌ها و بیانیه‌های خود، به افشاگری خود ادامه می‌داد. سرانجام با پیشنهاد امام خمینی، عید باستانی نوروز سال ۱۳۴۲ در اعتراض به اقدامات رژیم پهلوی تحریم گردید (انصاری، ۱۳۷۴، ص ۴۳-۴۴).

در دوم فروردین سال ۱۳۴۲، که مصادف با شهادت امام جعفر صادق علیه السلام بود، در فیضیه، مجلس سوگواری منعقد و این مجلس توسط مزدوران پهلوی به خاک و خون کشیده شد. متعاقب آن، امام امت، اعلامیه شدیداللعنی تحت عنوان «شاه دوستی؛ یعنی غارتگری»، صادر فرمودند.

### سخنرانی تاریخی و کوبنده امام

امام خمینی در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲، (دهم محرم ۱۳۸۳ ق) عصر همین روز، سخنرانی کوبنده، محکم و تاریخی خویش را در مدرسه فیضیه، علیه محمدرضا شاه ایراد نمود (حسینی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۹-۳۱۰).

آن آبرمرد تاریخ معاصر، در این سخنرانی که عبارات و کلمات آن برای همه قابل درک و فهم بود، شاه را مستقیماً مورد خطاب قرار داد و اُبْهت کاذب او را شکست و رسالت تاریخی خویش را به بهترین نحو، انجام داد. ایشان با شدیدترین حملات، در مقابل شاه پهلوی قرار گرفت.

ترس و وحشتی که در بین مردم از شاه و ساواک وجود داشت، تا حدود زیادی از بین رفت. در کلمات خطابی امام خمینی، شاه از آن مقام خیالی و تصویری و اعلیحضرتی پایین کشیده شد (هیأت نویسندگان دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا، ۱۳۷۷، ج اول، ص ۴۴۷).

### ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

سخنان تاریخی و کوبنده امام خمینی بلافاصله، توسط ساواک و شهربانی به تهران گزارش شد. به دستور شاه پهلوی، ساواک مأمور دستگیری امام گردید. ساعت ۳ بامداد ۱۵ خرداد، مزدوران ساواک با هجوم به منزل معظم‌له، ایشان را دستگیر و به تهران منتقل کردند. خبر دستگیری مرجع تقلید مردم، به سرعت در قم و سپس در تهران و شهرهای دیگر

منتشر شد، مردم قم با ریختن به خیابان‌ها نسبت به دستگیری امام اعتراض کرده و راهپیمایی نمودند.

پلیس برای متفرق کردن مردم ابتدا به تیراندازی هوایی پرداخت، سپس تیراندازی به‌سوی مردم آغاز و تعدادی از مردم بی‌دفاع به قتل رسیدند، گلوله باران مردم تا عصر- ادامه داشت؛ سرانجام با وارد شدن ارتش در قضیه و استقرار تانک‌ها در شهر و به پرواز درآوردن هواپیماها و شکستن دیوار صوتی توسط آن‌ها برای ارباب مردم، به‌طور موقت قضیه فیصله داده شد.

از سوی دیگر، کشاورزان کفن‌پوش و رامین، دهقانان منطقهٔ کن و مردم چهاران به طرف تهران حرکت کردند؛ انبوه جمعیت اعم از بازاریان، بارفروشان، دانشگاہیان و قشرهای دیگر، شعار «یا مرگ یا خمینی» و «مرگ بر شاه» می‌دادند. محمدرضا شاه پهلوی، تظاهرکنندگان را به خاک و خون کشید و فاجعهٔ پانزده خرداد ۴۲ به وجود آمد. همزمان با به خاک و خون کشیدن تظاهرات تهران، کشتارهای فجیعی در قم، شیراز، مشهد و تبریز و دیگر شهرستان‌ها توسط جنایتکاران شاه به وقوع پیوست (مرکز فرهنگی تربیتی نور ولایت، ۱۳۷۹، ص ۱۵۴).

پانزده خرداد ۱۳۴۲، در تاریخ معاصر ایران نقطهٔ عطفی محسوب می‌شود و بیانگر این واقعیت است که پیوند عمیقی میان امام و مردم وجود داشت؛ مردمی که به‌خاطر دستگیری مرادشان، سر از پا نمی‌شناختند و خود را آماج گلوله‌های مرگبار شاه قرار می‌دادند و آزادی آن یگانهٔ دوران را خواستار بودند. فاجعهٔ این روز نشان داد که دیگر بین شاه و ملت شکاف عمیقی ایجاد شده است و ملت ایران از این به بعد شاه را از خود نمی‌دانند، بلکه او را آلت دست آمریکا و جهان غرب تلقی می‌کنند.

بدین ترتیب شاه با ارتکاب این جنایت وحشتناک، در واقع رژیم و سلطنت خویش را مورد هدف مبارزه قرار داد و شمارش معکوس سقوط سلسلهٔ پهلوی آغاز گشت.

### امام خمینی در تهران

در ساعت ۳ نیمه شب (سحرگاه پانزده خرداد ۴۲)، مأموران شاه، امام امت را دستگیر و به تهران برده و در بازداشتگاه باشگاه افسران تهران زندانی نمودند و غروب آن روز به زندان

قصر انتقال دادند. روح خدا پس از نوزده روز حبس در زندان قصر به زندانی در پادگان نظامی عشرت آباد انتقال داده شد. (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیة قم، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۲۳-۹۲۴).

### آزادی نسبی امام

روز جمعه ۱۱ مرداد ماه ۱۳۴۲، آن بزرگمرد، از زندان پادگان عشرت آباد، آزاد و به «داودیه» انتقال یافتند و در خانه‌ای که مربوط به ساواک بود، اقامت گزیدند (روحانی زیارتی، ۱۳۶۰، ج اول، صص ۵۷۴ و ۵۷۶)؛ مردم تهران به محض اطلاع از انتقال رهبر، به طرف داودیه سرازیر شدند. ساعاتی از ازدحام جمعیت نگذشت که حکومت پهلوی ناگزیر از پراکندن مردم و محاصره علنی منزل، توسط نیروهای نظامی شد. عصر - یازده مرداد روزنامه‌های مزدور حکومت، خبری جعلی را مبنی بر تفاهم مراجع تقلید با مقامات دولتی منتشر کردند. علمای بزرگ با انتشار بیانیه‌هایی هرگونه تفاهم را تکذیب نمودند.

بعد از این وقایع، امام خمینی تحت‌الحفظ مأموران شاه به منزلی واقع در قیطریه تهران انتقال یافت و تا روز آزادی و بازگشت به قم در هیچ‌جده فروردین ماه ۱۳۴۳، در همین محل محاصره شده اقامت داشتند؛ در شامگاه همین روز، آن آبرمرد تاریخ تشیع، آزاد و به قم انتقال یافت و مردم قم به شادمانی پرداختند (انصاری، ۱۳۷۴، ص ۵۸ - ۵۹).

### قیام علیه کاپیتولاسیون و تبعید به ترکیه

قانون کاپیتولاسیون یا حق قضاوت کنسولی، برای نظامیان آمریکایی در مهر ۱۳۴۳ تصویب شد، امام خمینی برای افشای این توطئه تصمیم گرفتند که در روز چهارم آبان سخنرانی کنند که هم زمان رژیم پهلوی نیز برای برگزاری جشن چهارم آبان، روز تولد شاه می‌کوشید.

خمینی کبیر، در ساعت ۸/۳۰ صبح چهارم آبان، سخنرانی تاریخی خویش را شروع نمودند و بعد از شرح قانون کاپیتولاسیون، نتایج سیاسی - اجتماعی آن را تبیین نمودند. پس از این سخنرانی، اعلامیه‌ای هم منتشر و آن را سند بردگی مردم ایران معرفی نمود. سخنرانی و اعلامیه امام، بازتاب گسترده‌ای در سراسر ایران داشت؛ به همین جهت، در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳، رهبر شجاع ایران را دستگیر و به کشور ترکیه تبعید کردند (لک‌زایی و میراحمدی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۳-۱۶۴).

دوران تبعید آن جناب، در ترکیه بسیار سخت و طاقت فرسا بود. رهبر آزادیخواهان ایران، حتی از پوشیدن لباس روحانیت در آنجا ممنوع شده بود، اما هیچ یک از این فشارها نتوانست این مرد بزرگ و الهی را وادار به سازش کند. آن بزرگوار، در ترکیه تحت مراقبت مستقیم مأموران اعزامی حکومت ایران و نیروهای امنیتی دولت ترکیه قرار داشت و امکان هر گونه فعالیت سیاسی از ایشان سلب شده بود (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۲۶).

### تبعید از ترکیه به عراق

در ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴، ساواک امام خمینی را از ترکیه به عراق تبعید کرد (رجبی، ۱۳۶۹، ص ۲۷۹)؛ رهبر انقلاب، بعد از ورود به بغداد، برای زیارت مضاجع مقدس و مبارک ائمه علیهم‌السلام، به شهرهای کاظمین، سامرا و کربلا عزیمت کرد و یک هفته بعد، به نجف رفتند و سلسله درس‌های خارج فقه خود را در آنجا شروع کردند. از طرفی، از آغاز ورود به نجف اشرف، با ارسال نامه‌ها و پیک‌هایی به ایران، ارتباط خود را با مبارزان حفظ کرده و آنان را در هر مناسبتی به پایداری در پیگیری اهداف قیام ۱۵ خرداد فراخواند (انصاری، ۱۳۷۴، ص ۶۸-۷۱).

مرجع بیدار شیعیان جهان در نجف اشرف، سلسله درس‌های خود را درباره حکومت اسلامی یا ولایت فقیه آغاز نمودند که انتشار مجموعه این درس‌ها در قالب کتابی تحت عنوان «ولایت فقیه» یا «حکومت اسلامی» در ایران، عراق و لبنان - در ایام حج - روح تازه‌ای به مبارزه می‌داد. در این کتاب دوره‌های مبارزه و اهداف نهضت ترسیم و مبانی فقهی، اصولی و عقلی حکومت اسلامی از زبان امام خمینی ارائه شده بود (همان، ص ۸۰-۸۱).

### واقعه نوزده دی ۱۳۵۶ در شهر مقدس قم

اعتراض به مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات علیه امام، به قیام ۱۹ دی قم منجر گردید که در آن جمعی از طلاب به خاک و خون کشیده شدند. برگزاری مراسم سوم، هفتم و چهلم‌های پیاپی در بزرگداشت خاطره شهیدان در تبریز، یزد، جهرم، شیراز، اصفهان و تهران، قیام‌هایی مکرر به وجود آورد.

جایگزینی جمشید آموزگار، به جای هویدا به نخست وزیری، کمکی به حل بحران رژیم

نمود. بعد هم جعفر شریف امامی با شعار «دولت آشتی ملی» به نخست وزیری رسید. او نیز نتوانست مبارزات مردم را متوقف کند. در زمان نخست وزیری وی کشتار هفده شهریور در تهران اتفاق افتاد و حکومت نظامی در پایتخت و یازده شهر بزرگ ایران برای مدتی نامحدود برقرار شد.

از روش‌های مبارزاتی امام، دعوت مردم به اعتصاب و گسترش آن بود. اعتصاب‌های سراسری در ماه‌های پایانی عمر رژیم شاه، به وزارتخانه‌ها، ادارات و مراکز نظامی کشیده شد و ضربه نهایی را اعتصاب کارکنان شرکت نفت، بانک‌ها و مراکز حساس دولتی وارد کرد (جمعی از پژوهشگران حوزه علمی قم، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۲۹-۹۳۰).

### هجرت امام، از عراق به فرانسه

در ۱۵ مهر ۱۳۵۷، امام خمینی و همراهانش از عراق به پاریس عزیمت و بعد از چند روز اقامت در پاریس، به مکانی در حومه این شهر، به نام «نوفل لوشاتو» نقل مکان نمودند. امام خمینی در فرانسه، در مدت اقامت حدود چهار ماهه‌اش، ضمن مصاحبه با خبرنگاران مطبوعات، شبکه‌های تلویزیونی و دیدار با شخصیت‌های مختلف جهانی و تماس تلفنی با طرفدارانشان در ایران، ملت را برای ادامه مبارزه تا سقوط شاه ترغیب می‌کردند و همیشه کلامشان این بود که «شاه باید برود». سرانجام در ۲۶ دی ماه، محمدرضای پهلوی، ایران را ترک کرد و به مصر رفت (مرکز فرهنگی تربیتی نور ولایت، ۱۳۷۹، ص ۳۳۷-۳۳۹).

### بازگشت امام خمینی به میهن

امام خمینی در دوازده بهمن ماه ۱۳۵۷، وارد ایران شدند و سخنرانی تاریخی خود را در بهشت زهرا ایراد فرمودند. در شانزده بهمن، مهندس بازرگان را به‌عنوان رئیس دولت موقت تعیین نمودند. روز نوزده بهمن پرسنل نیروی هوایی با رهبر انقلاب بیعت کردند. روز بیست و یکم بهمن همافران در مهم‌ترین پایگاه هوایی تهران قیام نمودند. روز ۲۱ بهمن پایگاه‌های پلیس و مراکز دولتی توسط مردم سقوط کردند و کودتای نظامی بختیار نیز شکست خورد. در روز ۲۲ بهمن، انقلاب اسلامی ایران به پیروزی کامل رسید و دولت بختیار نیز طعم تلخ شکست را تجربه کرد (انصاری، ۱۳۷۴، ص ۱۰۶-۱۱۰).

## جمع‌بندی

حوزه‌ای که آیت‌الله حائری در ابتدای سال ۱۳۰۱ ش، در آن شرایط حساس دوره رضاخانی تأسیس و بازسازی نمود، چنان با اهمیت است که امام خمینی درباره آن فرمودند: «تأسیس حوزه علمیه در آن روز، از جهت سیاسی کم‌تر از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران امروز نبود». (امام خمینی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۳) چراکه آن به تدریج به مرحله‌ای رسید که با همت شاگردان آن مرجع دورانیش، به‌ویژه امام خمینی توانست با تبیین تئوریک حکومتی اسلام، نظامی را ساقط و نظام حکومتی نوینی را جایگزین آن کند. از این لحاظ باید بگوئیم امام خمینی موفق‌ترین شاگرد مکتب آیت‌الله حائری محسوب می‌شود. هنر بزرگ وی ترسیم حکومت اسلامی به لحاظ نظری و تشکیل و سپس اداره این حکومت به لحاظ عملی بود. امام خمینی با مطرح کردن «ولایت فقیه» حکومت را در زمان غیبت امام دوازدهم علیه السلام از آن فقیه جامع الشرایط عادل می‌داند. ایشان با تلفیق «جمهوریت» و «اسلامیت» نظامی را به وجود آورد که در عین پایبندی به ارزش‌های اسلامی، از تجارب مثبت بشری نیز بهره می‌گیرد؛ یعنی این نظام طوری طراحی شده است که قوای سه‌گانه مجریه و مقننه و قضائیه تحت اشراف ولی فقیه، به وظایف خود عمل می‌کنند و این نظام مبتنی بر خواست و اراده مردم است؛ یعنی قوه مجریه و مقننه با رأی مستقیم مردم و رهبری نیز با یک واسطه (مجلس خبرگان) توسط مردم انتخاب می‌شود.

برای اینکه قوانین مصوب در مجلس با موازین شرع و قانون اساسی منطبق باشد و برخلاف این دو نباشد، نهاد «شورای نگهبان» پیش‌بینی شده است و همچنین امام خمینی بعداً «مجمع تشخیص مصلحت نظام» را به وجود آورد که وظیفه اصلی آن رفع اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان می‌باشد. تشکیل این مجمع نشانگر پویایی فقه شیعه است؛ یعنی فقه شیعه قدرت پاسخگویی به نیازهای تمام زمان‌ها را دارد؛ به این معنا که با استفاده از احکام ثانویه، معضلات سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی حل و فصل می‌شود. آری، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران پرورش یافته مکتب آیت‌الله حائری بود که نظام سیاسی نوینی را طرح، اجرا و نقشی بس ژرف در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران ایفا نمود.



## پی‌نوشت

[۱]. امام و روحانیت، مجموعه سخنان و دیدگاه‌های امام خمینی درباره روحانیت، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۳.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. انصاری قمی، ناصرالدین، آیت الله گلپایگانی، فروغ فقاقت، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
۲. انصاری، حمید، حدیث بیداری (نگاهی به زندگینامه آرمانی، علمی و سیاسی امام خمینی)، چاپ سوم، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۴.
۳. آقا شیخ محمد، مریم، نوری نشاط، سعید، گلزار مشاهیر، زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران، با همکاری نشر برگ زیتون، ۱۳۷۷.
۴. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، قم: معروف، ۱۳۷۹.
۵. حسینی، سیدنعمت الله، جلوه‌های حسینی، در سیمای خمینی، قم: معصومی، ۱۳۷۸.
۶. خمینی، روح الله، امام و روحانیت؛ مجموعه سخنان و دیدگاه‌های امام خمینی درباره روحانیت، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲.
۷. دوانی، علی، امام خمینی در آئینه خاطره‌ها، تهران: مطهر، ۱۳۷۳.
۸. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۹. رجبی، محمدحسن، زندگینامه سیاسی امام خمینی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۰. روحانی زیارتی، سیدحمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، چاپ یازدهم، تهران: راه امام، ۱۳۶۰.
۱۱. روزنامه رسالت، شماره ۲۵۷۸، پنجشنبه، ده آذر، ۱۳۷۳.
۱۲. ریحان یزدی، سیدعلیرضا، آینه دانشوران، به اهتمام ناصر باقری بیدهندی، چاپ سوم، قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام، ۱۳۷۲.
۱۳. ستوده، امیررضا، پایه پای آفتاب، تهران: پنجره، ۱۳۷۳.
۱۴. شکوری، ابوالفضل، مرجع دوراندیش و صبور، آیت الله حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، فصلنامه یاد، شماره ۱۷، سال پنجم، زمستان ۱۳۶۸.
۱۵. صدرائی خوئی، علی، حافظیان، ابوالفضل، آیت الله اراکی (یک قرن وارستگی)، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.





۱۶. عباسزاده، سعید، شیخ عبدالکریم حائری، نگهبان بیدار، چاپ دوم، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۷. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، فقهای نامدار شیعه، قم: کتابخانه حضرت آیتالله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، ۱۴۰۵ ق.
۱۸. عقیقی بخشایشی، یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی، از میرزای شیرازی تا امام خمینی، چاپ سوم، قم: نوید اسلام، ۱۳۵۹.
۱۹. فردوسی پور، اسماعیل، همگام با خورشید، قم: مجتمع فرهنگی، اجتماعی امام خمینی رحمته الله، ۱۳۷۲.
۲۰. لکزائی، نجف، میراحمدی، منصور، زمینه‌های انقلاب اسلامی ایران، قم: مؤسسه فرهنگی، انتشاراتی ائمه علیهم السلام، ۱۳۷۷.
۲۱. متولی، علیرضا، شهاب سبز (حکایت زندگی امام روح‌الله موسوی خمینی)، تهران: کتاب‌های قاصدک، ۱۳۷۹.
۲۲. مرکز فرهنگی، تربیتی نور ولایت، روزها و رویدادها، چاپ چهارم، قم: پیام مهدی رحمته الله، ۱۳۷۹.
۲۳. هیأت نویسندگان دفتر عقیدتی، سیاسی فرماندهی معظم کل قوا، روزها و رویدادها، چاپ دوم، تهران: رامین، ۱۳۷۷.